

چارچوب العُلا و بازتعریف نقش گردشگری در توسعه شفیع آباد



با توجه به شکاف میان وضعیت موجود شفیع آباد و اصول چارچوب العُلا، گذار این روستا به مسیر توسعه پایدار گردشگری، مستلزم مجموعه‌ای از مداخلات هم‌زمان در حوزه‌های حکمرانی محلی، توانمندسازی اجتماعی، سامان‌دهی اقتصادی و حفاظت محیطی است.



زمانی موفق ارزیابی می‌شود که به ایجاد اشتغال شایسته، تقویت مهارت‌های انسانی بویژه در میان زنان و جوانان و بهبود کیفیت زندگی جامعه میزبان منجر شود، نه صرفاً افزایش تعداد گردشگران یا درآمدهای کوتاه‌مدت. چارچوب العُلا همچنین بر حفاظت فعال از هویت فرهنگی و میراث تاریخی به‌عنوان دارایی‌های زنده توسعه تأکید دارد و پایداری محیط‌زیست را جز لاینفک سیاست‌گذاری گردشگری می‌داند. مدیریت منابع طبیعی، ظرفیت برد مقصد و نظام‌های پسماند از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در این رویکرد، همسنگ اهداف اقتصادی اهمیت می‌یابند. از منظر حکمرانی، این چارچوب خواستار هماهنگی میان دولت، بخش خصوصی و جامعه محلی و نیز ترویج سرمایه‌گذاری مسئولانه‌ای

چارچوب العُلا برای توسعه فراگیر جامعه از طریق گردشگری که در سال ۲۰۲۰ و در دوره ریاست عربستان بر گروه G20 با همکاری سازمان جهانی گردشگری تدوین شد، رویکردی نوین به نقش گردشگری در توسعه ارائه می‌دهد. این چارچوب بر این فرض بنیادین استوار است که گردشگری، فراتر از یک فعالیت اقتصادی، می‌تواند و باید به ابزاری برای توانمندسازی جوامع محلی، ارتقای عدالت اجتماعی و حفاظت از میراث فرهنگی و محیط‌زیست تبدیل شود. در این چارچوب، جامعه محلی در مرکز فرایند توسعه قرار می‌گیرد و مشارکت واقعی ساکنان در تصمیم‌گیری، مالکیت و بهره‌مندی از منافع گردشگری، شرط اساسی پایداری مقصد تلقی می‌شود. بر همین اساس، توسعه گردشگری



دکتر مریم فدایی قطبی

معمار و شهر ساز، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی کرمان

است که منافع آن با اولویتهای توسعه محلی همراستا باشد. افزون بر این، بهره‌گیری از داده، نوآوری و شواهد تجربی برای سیاست‌گذاری مؤثر، از دیگر ارکان اصلی آن محسوب می‌شود. در مجموع، چارچوب العُلا با جابه‌جایی تمرکز از «رشد کمی گردشگری» به «توسعه کیفی و فراگیر مقصد»، معیاری نو برای ارزیابی موفقیت گردشگری ارائه می‌کند؛ معیاری که در آن، رفاه جامعه میزبان، تاب‌آوری مقصد و حفظ سرمایه‌های طبیعی و فرهنگی در کنار منافع اقتصادی، مبنای قضاوت قرار می‌گیرد. روستای شفیع‌آباد، به‌عنوان یکی از مقاصد نوظهور گردشگری در حاشیه بیابان لوت و در نزدیکی شهداد، به‌واسطه قرارگیری در لیست بهترین روستاهای جهانی و البته قبل‌تر از آن،

پیوستن بیابان لوت به جمع میراث جهانی، با رشد تقاضای گردشگران داخلی وارد چرخه اقتصاد گردشگری شده است. این ورود، هرچند فرصت‌هایی برای افزایش درآمد برخی خانوارها ایجاد کرده، اما در غیاب یک چارچوب حکمرانی محلی و برنامه توسعه جامعه‌محور، با نشانه‌هایی از ناپایداری اجتماعی، اقتصادی و محیطی ممکن است همراه شود.

– از منظر اقتصادی؛ وابستگی فزاینده بخشی از ساکنان به درآمدهای سریع گردشگری مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که برخی خانوارها توانسته‌اند از محل این درآمدها دارایی‌هایی نظیر خودروهای آفرود تهیه کنند. با این حال، این جریان درآمدی عمدتاً به فعالیت‌های کم‌کیفیت و کوتاه‌مدت محدود مانده و به

شکل‌گیری زنجیره‌ارزش محلی منجر نشده است. برای نمونه، باوجود کیفیت بالای محصولات کشاورزی همچون سیر، فروش خام به دلالت و فقدان فرآوری و برند محلی موجب شده بخش عمده ارزش‌افزوده خارج از روستا تحقق یابد. این وضعیت با اصول چارچوب العُلا مبنی بر تقویت اقتصاد محلی و اشتغال شایسته در تعارض است.

– در بعد اجتماعی؛ شواهدی از تغییر هنجارها و بروز رفتارهای پرریسک در پاسخ به تقاضای گردشگران، از جمله شکل‌گیری فعالیت‌های غیررسمی، گزارش می‌شود؛ که نشان‌دهنده فقدان سازوکارهای مشارکتی برای تنظیم روابط میزبان و مهمان و نبود آموزش‌های پایه در حوزه مهمان‌نوازی و مدیریت تعاملات گردشگری است؛ موضوعی که در چارچوب العُلا به‌عنوان پیش‌شرط توسعه فراگیر مورد تأکید قرار گرفته است.

– از منظر سرمایه انسانی؛ هرچند ابتکاراتی مانند شکل‌گیری گروه زنان «گوجینو» بیانگر ظرفیت بالای اجتماعی روستا است، اما تولید و عرضه صنایع‌دستی کم‌کیفیت و محدود ماندن به دست‌فروشی، حاکی از نبود نظام مهارت‌آموزی، کنترل کیفیت و دسترسی به بازار سازمان‌یافته است. همچنین وجود اقامتگاه‌های بوم‌گردی با استانداردهای پایین، تجربه نامطلوبی برای گردشگران ایجاد کرده و به تضعیف برند مقصد می‌انجامد.

– در بعد محیط‌زیستی و زیرساختی؛ نبود خدمات پایه‌ای نظیر سرویس‌های بهداشتی عمومی، ضعف در مدیریت پسماند، تخریب مسیرهای دسترسی و تبدیل مسیل به محل انباشت زباله، فشار قابل‌توجهی بر محیط روستا وارد کرده است. افزون بر این، رهاشدگی قنات و بی‌توجهی به نخلستان‌ها نشان می‌دهد که دارایی‌های طبیعی و تاریخی روستا که می‌توانند محور گردشگری پایدار باشند، جایگاه خود را در اقتصاد محلی از دست داده‌اند. این وضعیت با اصل پایداری محیطی چارچوب العُلا ناسازگار است.

– در حوزه میراث و حکمرانی؛ وجود بناهایی همچون قلعه و کاروانسرای روستا که یک‌بار





چارچوب الغلا با جابه جایی تمرکز از «رشد کمی گردشگری» به «توسعه کیفی و فراگیر مقصد»، معیاری نو برای ارزیابی موفقیت گردشگری ارائه می‌کند؛ معیاری که در آن، رفاه جامعه میزبان، تاب‌آوری مقصد و حفظ سرمایه‌های طبیعی و فرهنگی در کنار منافع اقتصادی، مبنای قضاوت قرار می‌گیرد. شفیع‌آباد، به عنوان یکی از مقاصد نوظهور گردشگری در حاشیه بیابان لوت و در نزدیکی شهداد، به واسطه قرارگیری در لیست بهترین روستاهای جهانی و البته قبل‌تر از آن، پیوستن بیابان لوت به جمع میراث جهانی، با رشد تقاضای گردشگران داخلی وارد چرخه اقتصاد گردشگری شده است.

مرمت و سپس رهاشده‌اند، بیانگر رویکرد پروژه‌محور و فقدان برنامه بهره‌برداري پایدار است. ابهام در مالکیت و نبود سازوکار مشارکتی برای تعیین تکلیف این فضاها، مانع از تبدیل میراث به دارایی زنده توسعه شده است. هم‌زمان، ایمن نبودن فضای مدرسه روستا نیز نشان می‌دهد که پیوند میان منافع گردشگری و سرمایه‌گذاری اجتماعی در حوزه‌هایی چون آموزش هنوز شکل نگرفته است. در مجموع، شفیع‌آباد در مرحله‌ای قرار دارد که می‌توان آن را «ورود زود هنگام به گردشگری بدون آمادگی نهادی و اجتماعی» توصیف کرد. اگرچه ظرفیت‌های بالای طبیعی، فرهنگی و انسانی در روستا وجود دارد، اما تداوم مسیر کنونی می‌تواند به فرسایش سرمایه اجتماعی، تضعیف معیشت‌های سنتی و تخریب محیط‌زیست منجر شود. بر اساس منطق چارچوب الغلا، این وضعیت ضرورت گذار از رشد کمی و بی‌قاعده گردشگری به سمت یک الگوی جامعه‌محور، کیفیت‌محور و مبتنی بر توانمندسازی محلی را برجسته می‌سازد. با توجه به شکاف میان وضعیت موجود شفیع‌آباد و اصول چارچوب الغلا، گذار این روستا به مسیر توسعه پایدار گردشگری، مستلزم مجموعه‌ای از مداخلات هم‌زمان در حوزه‌های حکمرانی محلی، توانمندسازی اجتماعی، سامان‌دهی اقتصادی و حفاظت محیطی است. در گام نخست، استقرار یک سازوکار حکمرانی مشارکتی در قالب «هسته یا شورای راهبری گردشگری روستا» ضروری است؛ نهادی متشکل از نمایندگان دهیاری، معتمدان محلی، زنان فعال، جوانان، مالکان فضاهای گردشگری و بخش خصوصی که بتواند مرجع تصمیم‌گیری، تنظیم قواعد رفتاری و هماهنگی اقدامات توسعه‌ای باشد. چنین

نهادی پیش‌شرط مهار آسیب‌های اجتماعی، مدیریت تعارض منافع و بازگرداندن حس مالکیت جامعه بر مسیر توسعه است. هم‌زمان، سرمایه‌گذاری بر آموزش جامعه محلی باید به‌عنوان راهبرد محوری دنبال شود. آموزش‌های کوتاه‌مدت و کاربردی در حوزه مهمان‌نوازی، رفتار حرفه‌ای با گردشگر، آشنایی با حداقل استانداردهای بوم‌گردی و مهارت‌های پایه زبان انگلیسی، می‌تواند به سرعت کیفیت تعامل میزبان و مهمان را ارتقا داده و از بروز رفتارهای پرریسک بکاهد. این آموزش‌ها، در کنار برنامه‌های مهارت‌افزایی برای ارتقاء صنایع‌دستی و خدمات اقامتی، زمینه‌ساز تحقق اصل «اشتغال شایسته» مورد تأکید چارچوب الغلا خواهد بود. **در بعد اقتصادی**، راهبرد اصلی باید بر تکمیل زنجیره ارزش محلی استوار شود. محصولات کشاورزی با کیفیت روستا، بویژه سیر، لازم است از فروش خام به سمت فرآوری، بسته‌بندی و برند سازی محلی هدایت شوند و با تجربه گردشگری پیوند بخورند. در همین راستا، تقویت گروه زنان گوجینو از طریق آموزش کیفیت، طراحی محصول و دسترسی به بازار سازمان‌یافته، می‌تواند آنان را از دست‌فروشی کم‌درآمد به بازیگران یک برند محلی تبدیل کند. این رویکرد موجب می‌شود بخش بزرگ‌تری از ارزش افزوده در روستا باقی بماند و وابستگی به درآمدهای گردشگری کاهش یابد. **در حوزه محیط‌زیست و زیرساخت**، تمرکز راهبردی باید بر ایجاد حداقل‌های حیاتی اما اثرگذار باشد. استقرار نظام ساده تفکیک پسماند با مشارکت خانوارها، ایجاد سرویس‌های بهداشتی عمومی، پاک‌سازی و سامان‌دهی مسیر و ارتقاء کیفیت مسیرها، نه تنها کیفیت تجربه گردشگر را بهبود می‌بخشد، بلکه نشانه‌های عینی از بازگشت نظم و

مسئولیت‌پذیری جمعی به فضای روستا است. در کنار آن، احیای مسیر قنات و نخلستان‌ها به‌عنوان «جاذبه زنده» می‌تواند پیوندی دوباره میان میراث طبیعی، روایت تاریخی و معیشت محلی برقرار سازد و مفهوم پایداری محیطی چارچوب الغلا را در عمل متجلی کند. **در بعد میراث و سرمایه‌گذاری**، تعیین تکلیف فضاهایی نظیر قلعه و کاروانسرای رهاشده روستا باید در اولویت قرار گیرد. شفاف‌سازی مالکیت و حرکت به سمت الگوهای بهره‌برداري مشارکتی یا اجاره‌های بلندمدت مسئولانه، امکان تبدیل این بناها به کاربری‌های زنده‌ای چون اقامتگاه، مرکز تفسیر میراث یا فضاهای فرهنگی را فراهم می‌کند. اصل راهبردی در این زمینه آن است که هرگونه مرمت، هم‌زمان با تعریف مدل بهره‌برداري اقتصادی و اجتماعی صورت گیرد تا از تکرار رویکرد پروژه محور و رهاسازی پس از اجرا جلوگیری شود. در نهایت، پیوند دادن منافع گردشگری با سرمایه‌گذاری اجتماعی در حوزه‌هایی چون ایمنی مدرسه، فضاهای عمومی و خدمات پایه، باید به‌عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی سرمایه‌گذاران و بهره‌برداران گردشگری نهادینه شود. چنین پیوندی، پیام روشنی به جامعه محلی منتقل می‌کند، مبنی بر این‌که گردشگری نه پدیده‌ای بیرونی، بلکه ابزاری برای بهبود زندگی روزمره آنان است. مجموعه این راهبردها، شفیع‌آباد را از مسیر کنونی که مبتنی بر رشد کمی و بی‌قاعده گردشگری است، به سمت الگویی از توسعه جامعه‌محور، کیفیت‌محور و تاب‌آور هدایت می‌کند؛ الگویی که در آن، مطابق با منطق چارچوب الغلا، «تقویت جامعه محلی» نه پیامد جانبی، بلکه هدف اصلی توسعه گردشگری محسوب می‌شود. **III**